

باز آفرینی چپ گرایی

احزاب غربی از سوسیالیسم تا نئولیبرالیسم

استفانی ال. ماج

ترجمه

وحید موسوی داور

www.ketab.ir

- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
- ماج، استفانی ال، ۱۹۷۳-م، ۱۹۷۳ - Mudge, Stephanie L., 1973
بازآفرینی چپ‌گرایی: احزاب غربی از سوسیالیسم تا نئولیبرالیسم / استفانی ال. ماج؛ ترجمه وحید موسوی‌داور.
- مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
- تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۴۰۰.
۶۴۰ص: جدول، نمودار؛ ۵/۱۴×۲۱س.م.
مجموعه فلسفه و اقتصاد سیاسی؛ ۲۳.
۹۷۸-۶۲۲-۷۴۸۹-۷۷-۴
- وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
- فینیا
عنوان اصلی: Leftism Reinvented : Western Parties from Socialism to Neoliberalism,c2018
- یادداشت
یادداشت
عنوان دیگر
موضوع
- کتابنامه: ۵۸۹-۶۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
احزاب غربی از سوسیالیسم تا نئولیبرالیسم.
Western Countries Liberalism -- کشورهای غربی -- آزادیخواهی
آزادیخواهی -- کشورهای غربی -- جنبه‌های اقتصادی
Liberalism -- Economic Aspects -- Western Countries
چپ و راست (علوم سیاسی) -- کشورهای غربی
Right and left (Political science) -- Western countries
جنبه‌های سیاسی -- کشورهای غربی
Political parties -- Western countries
موسوی‌داور، وحید، ۱۳۵۹ - مترجم
۳۰۷۴
۲۱۰۹۱۸۲۱
۸۶۹۴۸۱۰
- شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی



بازآفرینی چپ‌گرایی

احزاب غربی از سوسیالیسم تا نئولیبرالیسم

نویسنده: استفانی ال. ماج

مترجم: وحید موسوی‌داور

انتشارات: شیرازه کتاب ما

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ اول: بهمن ۱۴۰۰

چاپ: پردیس دانش

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.com

فهرست مطالب

۷	یادداشت دبیر مجموعه
۱۱	مقدمه
۲۱	فصل اول: تحلیل بازآفرینی‌های چپ‌گرایی
۸۱	فصل دوم: از چپ‌گرایی سوسیالیستی به چپ‌گرایی اقتصادگرا و به چپ‌گرایی نئولیبرال‌شده
۱۱۵	فصل سوم: پیدایش و زیرساخت چپ‌گرایی سوسیالیستی
۱۸۱	فصل چهارم: نخستین بازآفرینی چپ‌گرایی اروپایی
۲۶۳	فصل پنجم: چپ‌گرایی اقتصادگرا از نوع آمریکایی، یا تبدیل دموکرات‌ها به «چپ»
۳۳۱	فصل ششم: وابستگی متقابل در روند شکل‌گیری دومین بازآفرینی چپ‌گرایی
۳۹۵	فصل هفتم: اقتصاددانان جدید، کارشناسان جدید، دموکرات‌های جدید
۴۵۹	فصل هشتم: تبدیل چپ‌گرایی اروپای غربی به «ترقی‌خواه»
۵۴۷	فصل نهم: نتیجه‌گیری و پیامدها
۵۶۱	ضمیمه روش‌شناختی

یادداشت دبیر مجموعه

کلان‌روایت تاریخی احزاب چپ‌گرا، آنها را همچون سازمان‌هایی توده‌ای توصیف می‌کند که خاستگاه‌شان در سوسیالیسم و نیروی کار سازمان‌یافته بود و گفتمان‌شان متکی بر آشکار نمودن توسعه‌ی امان‌ولی مختل‌کننده سرمایه‌داری صنعتی، تشکیل طبقه کارگر، اجتناب‌ناپذیری ترواق طبقاتی و پیشرفت به‌سوی آینده‌ای سوسیالیستی. تأسیس یک چنین نهادی، پیش از هر چیز، ابداع نوعی فناوری سازمانی بود که توانایی ادغام همزمان سه جهت‌گیری مشخص را داشت: جهت‌گیری اول مشتمل بود بر تولید دانش، آموزش، اجتماعی‌سازی و ادعای حقیقت؛ جهت‌گیری دوم، ناظر بود بر تبلیغ و بسیج و ادعای نمایندگی؛ و جهت‌گیری سوم، کسب قدرت و منصب را پوشش می‌داد. همین ابداع بود که به این احزاب اجازه داد عهده‌دار دو نقش مهم شوند. اولاً نقش آموزش و تولید دانش در زمانه‌ای که تقریباً هیچ نوع آموزشی توده‌ای وجود نداشت و دوم تبلیغ و بسیج عمومی در دورانی که حق رأی در جهان بسیار محدود بود. بدین صورت آنها وسیله‌ای برای فعالیت سیاسی غیرثروتمندان فراهم کردند، آن‌هم در عصری که وجود سیاستمداران اشرافی بیشتر قاعده بود تا استثنا. به این معنا، آنها هم در شکل‌گیری احزاب و سیاستمداران، هم در تبیین هویت‌های سیاسی جدید و هم در تعیین مرزهای خود سیاست نقش داشتند. در این لحظه تولد، احزاب چپ‌گرا، فارغ از آنکه فقط خواهان حمایت از نیروی کار باشند یعنی متقاضی هشت ساعت کار در روز، تعطیلی آخر هفته و

قوانین کار کودکان و دیگر مطالباتی از این دست، یا آنکه از «اشتراکی‌سازی» مالکیت ابزار تولید نیز حمایت کنند، نماد «چپ‌گرایی سوسیالیستی» بودند. آنها باهدف ایجاد برابری و جلوگیری از تبدیل دموکراسی‌ها به حکومت‌های ثروت‌سالار، ادعای نمایندگی افراد و گروه‌هایی را داشتند که نمایندگان چندانی نداشتند. آنها همچنین به میزانی که می‌توانستند ثروتمندسالاری را مهار کنند، اساس دموکراسی را تحکیم می‌کردند و بدون وجود و فعالیت آنها، دموکراسی تضعیف می‌شد. اکنون اگر آنگونه که در این کتاب توضیح داده می‌شود، این احزاب دچار چنان دگردیسی‌ای شده باشند که تشخیص آنها از احزاب راست‌گرا سخت شده باشد، پرسش آن است که سرنوشت دموکراسی چه خواهد بود.

ادعای کتاب حاضر آن است که احزاب چپ‌گرای غربی در قالبی سوسیالیستی وارد قرن بیستم شدند و در قالب «راه سوم» با گرایشی بازارپسند یا نئولیبرال آن را به پایان رساندند. دگردیسی‌ای که نه یکباره، بلکه طی دو مرحله صورت پذیرفت: در مرحله اول، آنها از احزابی سوسیالیستی (که ویژگی‌های آن در این کتاب از منظر دیدگاه نظری و کارکرد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به تفصیل توضیح داده شده است) به احزابی اقتصادگرا تبدیل شدند و سپس در مرحله بعد، با پذیرش اخلاق نئولیبرال - از احزابی اقتصادگرا به احزابی ترقی‌خواه پریشانی که کتاب در جستجوی پاسخ به آن می‌باشد آن است که آیا با توجه به این دگردیسی، هنوز احزاب چپ‌گرا می‌توانند دغدغه‌ها و واقعیت‌های روزمره مردمی را که نمایندگی‌شان را برعهده دارند، درک کنند؛ منافع مردم را سازماندهی و منتقل کرده و برنامه‌های سیاسی مشخصی براین اساس ارائه نمایند؟ یعنی آیا احزاب چپ‌گرای قرن بیست و یکم خواهند توانست نمایندگی مردمی را که شدیداً به نمایندگی نیاز دارند، به‌طور مؤثر برعهده گیرند یا خیر؟ پرسشی که پاسخ به آن، نقشی اساسی در ترسیم آینده جوامع دموکراتیک خواهد داشت.

برای پاسخ به این پرسش، نویسنده بر تحولات «زبان سیاسی» - یعنی به گفته خودش، بنیادی‌ترین ماده سیاست نمایندگی - تمرکز می‌کند و این تحولات را هم از طریق تحلیل دگرگونی‌های نهادی گسترده و هم از طریق مسیرها، موقعیت‌ها و توضیحات خود بازیگرانی که سخنگوی احزاب بوده‌اند و وی از آنها به‌عنوان

کارشناسان حزبی نام می‌برد، دنبال می‌کند. به باور وی، کارشناسان حزبی بازیگرانی اجتماعی در شبکه حزبی‌اند که برای تولید اندیشه‌ها و گفتمان‌ها و دستورکارهای برنامه‌ریزی‌شده در حیات سیاسی تلاش می‌کنند و هدف‌شان تأثیرگذاری بر دیدگاه‌ها و جهان‌بینی سیاستمداران و رأی‌دهندگان است. آنها هستند که می‌کوشند زبانی را صورت‌بندی کنند که احزاب از طریق آن، جهان را توصیف می‌کنند، اولویت‌های برنامه‌ریزی‌شده را مشخص می‌سازند و با مردم ارتباط برقرار می‌کنند. کارشناسان حزبی در این زمینه به «واسطه‌هایی» بین مردم و نمایندگان منتخب یا حاضر در رقابت‌های انتخاباتی تبدیل می‌شوند. در واقع، کارشناسان حزبی سخنگویان دو گروه محسوب می‌شوند: احزاب و مردمی که احزاب ادعای نمایندگی آنها را دارند. اینکه کارشناسان حزبی چقدر می‌توانند این وظیفه دوگانه را انجام دهند، نقشی کلیدی در توانایی احزاب برای تأثیرگذاری بر دیدگاه‌های مردم، ایجاد حس بر خورنداری از نمایندگی مؤثر در رأی‌دهندگان، ایجاد پیوند بین دغدغه‌های روزمره مردم با سیاست‌ها یا دستورکارهای سیاسی و در نتیجه، سازماندهی حیات سیاسی دارد. «توانایی واسطه‌گری» احزاب تحت تأثیر کارشناسان حزبی است. به این دلیل، درک اینکه کارشناسان حزبی چه کسانی‌اند، چگونه به وجود می‌آیند و دیدگاه‌های‌شان چگونه است، اهمیت زیادی دارد.

می‌دانیم که علیرغم افول نسبی نقش و کارکرد احزاب سیاسی حتی در کشورهای محلّ تولدشان و توجه روزافزون به جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های منفعتی سازمان‌یافته همچون عوامل تعیین‌کننده سیاست، مطالعات ناظر بر احزاب سیاسی همچنان موضوعی متداول میان محققان علوم سیاسی باقی مانده‌اند؛ شاهد مدعا آنکه از سال ۱۹۹۵ این مطالعات از نشریه تخصصی خود نیز برخوردار گشته‌اند. با اینهمه به نظر می‌رسد که از همان آغاز کار، یعنی انتشار اولین کتاب‌هایی که در آغاز قرن بیستم به موضوع احزاب سیاسی پرداخته‌اند و فارغ از تک‌نگاری‌های پُرشمار در مورد احزاب سیاسی مشخص، اکثر تحقیقاتی که در مورد احزاب سیاسی منتشر شدند یا احزاب را از چشم‌انداز مهم‌ترین هدف‌شان، یعنی شرکت در انتخابات مورد بررسی قرار داده‌اند؛ یا به مطالعه تشکیلاتی آنها پرداخته‌اند، یا به میزان و شیوه ادغام اجتماعی احزاب در جامعه تمرکز کرده‌اند.